

## فراخوان به اعتصاب عمومی در کردستان



فراخوان کمیته  
کردستان حزب  
حکمتیست  
اعتصاب عمومی  
جواب مردم به  
جمهوری اسلامی

### مردم مبارز کردستان

جمهوری اسلامی با اعدام فرزند کمانگر، فرهاد وکیلی، علی حیدریان، شیرین علم هولی و مهدی اسلامیان بار دیگر جنایت بزرگی آفرید. جانینان هار اسلامی باز هم با اعدام و زندان و سرکوب میخوانند مردم را مرعوب کنند. سه دهه است به این شیوه عمل کرده اند، اما نتوانسته اند به حق طلبی وسیع و اعتراض و مبارزه مستمر مردم پایان دهند. تنفر عمیق کنونی که در شهرها موج میزند و آمادگی برای اعتراض وسیع و سازمانیافته علیه اعدام این پنج فعال سیاسی، این واقعیت را دوباره تأکید میکند. در مقابل تداوم اعدام و سرکوب جمهوری اسلامی تنها نیروی مبارزاتی سازمانیافته توده مردم میتواند سد محکمی ایجاد کند.

### مردم آزادیخواه

### کارگران، زنان، جوانان

لازمست خشم و نفرت کنونی علیه اعدام فرزند کمانگر، فرهاد وکیلی، علی حیدریان، شیرین علم هولی و مهدی اسلامیان را به حرکتی سازمانیافته و هماهنگ علیه جمهوری اسلامی تبدیل کنیم. باید با اتحاد و همبستگی بار دیگر این درس را به سران جمهوری اسلامی داد که ما مردم مبارز اعدام و کشتار و جنایت را بی پاسخ نمیگذاریم. باید با قدرت و فشار اجتماعی ماشین سرکوب و اعدام و جنایت جمهوری اسلامی را از کار انداخت.

به این منظور کمیته کردستان حزب حکمتیست اعتصاب عمومی مردم کردستان در روز پنجشنبه بیست و سوم اردیبهشت را اقدامی موثر و متحدانه علیه اعدامهای اخیر و علیه توحش و سرکوب جمهوری اسلامی میداند. در این روز با تعطیل کردن کار، با تعطیلی دانشگاهها و مدارس و محیطهای آموزشی، با بستن دکان و بازار لازمست به یک اعتصاب عمومی و به این ترتیب به اعتراضی موثر و گسترده علیه جمهوری اسلامی شکل دهیم. کمیته کردستان حزب حکمتیست همگام با همه احزاب و جریانات و شخصیتها و فعالین سیاسی سهم در فراخوان اعتصاب عمومی، شما مردم رزمنده را به پیوستن به اعتصاب عمومی فرامیخواند.

مرگ بر جمهوری اسلامی

نه به اعدام

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

بیستم اردیبهشت 1389 - دهم مه 2010

## نتوانستند به اول مه رنگ سبز بزنند ص ۲

گرامیداشت اول ماه مه در شهرهای کردستان ص ۸  
گزیده ای از اخبار و رویدادهای کارگری در شهرهای کردستان ص ۶

## ناسیونالیسم و کمونیسم در کردستان ص ۷

## در باره مجازات اعدام ص 3

## اعدام فرزاد کمانگر را بی جواب نگذارید! ص ۴

۳۷ اکتبر

www.aktoberr.org

نشریه کمیته کردستان

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

s\_zijji@yahoo.se

سر دبیر: سلام زیجی

۲۰۱۰ مه ۱۰

دوشنبه ۲۰ اردیبهشت ۱۳۸۹

## فرزادکمانگر، علی حیدریان، فرهادوکیلی، شیرین علم هولی و مهدی اسلامیان در اوین اعدام شدند

صبح روز یکشنبه ۱۹ اردیبهشت برابر با ۹ مه، پنج زندانی سیاسی فرزادکمانگر، علی حیدریان، فرهاد وکیلی، شیرین علم هولی و مهدی اسلامیان در زندان اوین اعدام شدند. رسانه های و خبرگزاریهای جمهوری اسلامی از زبان دادرسی انقلاب تهران اعلام کردند که "پنج بمب گذار در زندان اوین به دار مجازات آویخته شدند".

در چند سال گذشته دهها هزار انسان در شهرهای مختلف ایران و در کشورهای مختلف به شیوه های گوناگون برای آزادی این انسانها تلاش کردند و خواهان لغو اعدام و آزادی فوری آنها شده اند. مردم کامیاران و سنجیدگان بارها شاهد اعتراض خانواده و بستگان فرزاد کمانگر و مردم آزادیخواه این شهرها برای آزادی فرزند و علیه حکم اعدام بودند. و امروز سران تروریست و جنایتکار جمهوری اسلامی برای خفه کردن صدای اعتراض مردم این عزیزان را به دار آویختند.

اعدام بودند. و امروز سران تروریست و جنایتکار جمهوری اسلامی برای خفه کردن صدای اعتراض مردم این عزیزان را به دار آویختند.

اعدام این پنج نفر توحش و بربریت جمهوری اسلامی را برای هزارمین بار نشان داد. بربریت حاکم در ایران به این قتلها احتیاج دارد. اینها بخشی از تلاش برای ترساندن مردم، برای زهر چشم گرفتن از جامعه و به رخ کشیدن قدرت سرکوب رژیم است. دیروز ۶ نفر را به جرم مواد مخدر در زندان قزل حصار اعدام کردند و امروز ۵ مخالف سیاسی خود را در اوین به عنوان تروریست به دار آویختند. در همین مدت شاهد تهدید و احضار و شلاق زدن به فعال کارگری و شاهد پرونده سازی علیه رهبران آنها، شاهد زندان و پرونده سازی برای مبارزین و آزادیخواهان در این جامعه بوده ایم. اینها قرار است ابزار پس زدن اعتراض کارگر و زن و جوان به بربریت حاکم باشد. اینها قرار است طبقه کارگر و مردم محروم و انسان معترض را مجبور به تمکین و سکوت کند. کار دستگاه سرکوب همین است.

جمهوری اسلامی ماشین سرکوب علیه ما مردم، ما زنان و طبقه کارگر و انسان محروم است تا تسلیم شویم و نظم جنایتکارانه و بربریت آنها را به عنوان سرنوشت محتوم بشریت قبول کنیم و سر تعظیم فرود آوریم. اعلام اینکه ۵ تروریست را کشته اند، برای رژیمی که سران آن سازماندهندگان ترور و کشتار جمعی مردمنده، بیش از هر چیز مایه انزجار و تنفر بیشتر مردم خواهد شد. نباید اجازه داد مثنی جانی و قاتل و تروریست حرفه ای با ترور و اعدام، نسلی از بشریت را مجبور به تحمل این جهنم کنند. این سرنوشت محتوم نسل ما و مردم ایران نیست.

حزب حکمتیست ضمن تسلیت به خانواده و بستگان این پنج نفر، به مادر فرزاد کمانگر که برای آزادی و لغو حکم اعدامش از هیچ کوششی دریغ نکرد، مردم مبارز را به تشدید مبارزه علیه جمهوری اسلامی فرامیخواند. تنها راه خاتمه دادن به این توحش پایان دادن به عمر جمهوری اسلامی، این مظهر بربریت، ترور و جنایت است.

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۱۹ اردیبهشت ۱۳۸۹ - ۹ مه ۲۰۱۰

## ترور یک روزنامه نگار آزادیخواه در کردستان عراق ص ۴

# آزادی، برابری، حکومت کارگری

## نتواستند به اول مه رنگ سبز بزنند

(زنده باد اول مه 89- بخش اول)  
مصاحبه با رحمان حسین زاده

اکتبر:

به طور فشرده اول مه 89 را چگونه پشت سر گذاشتیم؟

رحمان حسین زاده :

در دو کلمه موفق و خوب. اول مه امسال در ایران روز کارگر بود و نه هیچ چیز دیگر، نه روز "خانه کارگر و اعوان وانصارش" بود، نه روز "جنبش سبز" و پادوهای راست و چپش بود و نه روز تفرقه ملی و مذهبی و صنفی و شغلی بود. روز اتحاد کارگری حول عاجلترین مطالبات جنبش طبقه کارگر ایران بود. در مارشی هماهنگ کارگران در سراسر ایران از تهران و شیراز و قزوین و سمنج و مشهد و کرمان و تقریباً همه شهرهای بزرگ و بخشهای مهمی از مراکز کارگری و تشکلهای موجود کارگری به حرکت درآمدند، موانع را خنثی کردند، با تجمع و راهپیمایی و میتینگ و سخنرانی و با قطعنامه مشترک کارگری ابراز وجود کردند. به علاوه به لحاظ محتوی هم با استناد به سخنرانیها و مصاحبه های فعالین کارگری درگیر و با اتکا به همین قطعنامه سراسری کارگران و بعضی بیانییه ها و قطعنامه های دیگری که منتشر شدند، کارگران با آگاهی قابل توجهی علیه نظم سرمایه به مثابه بانی مشقات طبقه کارگر و جامعه و به عنوان نظمی که باید واژگون شود، صحبت کردند. حکومت اسلامی و هر دو جناح فعلاً موجود آن را به عنوان بخشهای مختلف سرمایه داران زیر سوال بردند، در محتاطانه ترین بیانییه ها هم اعلام کردند در تقابل با جناح سرمایه حاکم نباید به زیر پرچم جناح دیگری از سرمایه رفت. همچنین علیه سطح دستمزد زیر خط فقر و کل فلاکتی که به طبقه کارگر تحمیل شده، ادعاینامه طرح کردند، بر همبستگی جهانی کارگری پای فشرده، از هم طبقه ایهای افغانی خود حمایت کردند، راه تحقق مطالبات اقتصادی و سیاسی خود را در تکیه بر ارداده طبقه کارگر و متشکل شدن آن اعلام کردند. از زوایه کارگر کمونیستی که هر قدم تحرک کارگران را بر مبنای

قدرتمند شدن مبارزه امروز و فردای طبقه خود می سنجد، آنچه در اول مه امسال ایران اتفاق افتاد، یک پیشروی برای جنبش طبقه کارگر بود.

اکتبر:

بعضیها به عنوان نقطه عطف از اول مه و قطعنامه امسال اسم میبرند، نظر شما چیست؟

رحمان حسین زاده :

بستگی به این دارد پشت تعبیر "نقطه عطف" نامین این پدیده چه منظور و نتیجه گیری نهفته باشد. اگر منظور "تقدیس" این واقعه هر چند مهم باشد، به نحوی که کمبودها و التقاطهای موجود در جنبش کارگری را نبینیم، از این عبارت باید فاصله گرفت. با همین وسواسی شخصاً این عبارت را گویا و موجه نمیدانم. من رویدادهای اول مه امسال را مقطع مهمی از یک حرکت طبقاتی تاریخی برای عروج جنبش متمایز تمام قد طبقه کارگری بینم. ببینید قبل از هر چیز جامعه باید ابراز وجود اجتماعی مبارزاتی طبقه کارگر را جدا از جنبش ها و تحریکهای دیگر، مشاهده کند. به نظر من تمام اهمیت اول مه امسال اینست که این صف کارگری مبارزاتی متفاوت را دیدیم. امروز و در پایان اول مه میتوان با فاکت و ارقام به همه آحاد جامعه توضیح داد که در اول مه حرکت کارگری جدا از دیگر تحریکات موجود در یکساله اخیر اتفاق افتاد. اول مه امسال هیچ شباهتی با اعتراضات "توده ای" بعد از انتخابات و "عاشورا و روز قفس" و حتی شبیه اتفاقات اعتراضی امسال در مناسبتهای دیگری چون 13 آبان و 16 آذر نبود که انتلافی از جنبشهای رنگین کمانی سبز دانشجویی و طرفداران حقوق مدنی و دموکراسی طلبی را در یک صف ببینیم. اول مه همانطور که میبایست باشد تنها روز کارگر با تحرک و قطعنامه و میتینگ و سخنرانی و نقاط قوت و ضعف طبقه کارگر بود. روز طبقه ای متفاوت و جنبش متفاوت آن بود. این را همه دیدند و این مبنای سروسامان دادن به دیگر اجزای یک جنبش تمام عیار و همه جانبه کارگری است. این را ببینیم. آنوقت نقاط قوت و ضعف اول مه را میتوان سر جای خود گذاشت.

اکتبر:

حساسیت ویژه ای به اول مه امسال در ایران بود، چرا؟

رحمان حسین زاده:

این حساسیت ویژه را مستقیماً در اوضاع سیاسی ویژه امسال ایران باید

دید. از دوره انتخابات جمهوری اسلامی و بعد از آن جامعه ایران صحنه کشمکش سیاسی و اجتماعی بود. دو بخش بورژوازی با حامیان بین المللی و داخلی در جدال و کشمکشند. بخش بزرگ نیروهای اپوزیسیون از جمله چپهایی که خود را مدافع کارگر هم میدانند، به یک جنبش انتلافی پیوستند که پلاتفرم و رهبری و تاکتیک و سیاست و مطالبات آن و حتی رنگ آن را جناح سبز بورژوازی و جمهوری اسلامی تعیین کرده و میکند. متأسفانه در این همه که به راه افتاد بخشهایی از توده مردم و جوانان پرشور که قاعدتاً جایشان در چنین جنبش بورژوازی نیست، به نیروی ذخیره جنبش بورژواها تبدیل شدند. طبقه کارگر ایران در برخورد به جنبش سبز بدست مکت کرد و با احتیاط رفتار کرد. مراکز کارگری تعیین کننده و یا تشکلهای موجود به جنبش سبز نپیوستند. از مدتی قبل سران و معماران و سمپاتیهای جنبش سبز واز جمله جناح چپ جنبش سبز یعنی کمونیستهای بورژوازی این را می دیدند و به فکر این بودند، طبقه کارگر را به "جنبش و انقلاب جاری" همانا جنبش سبز ضمیمه کنند. در محاسبات همه اینها روز اول مه جایی بود که طبقه کارگر میبایست نپیوستن تاکنونی به "جنبش جاری سبز" را جبران کند. در این راستا سران ضد کارگری جنبش سبز و ایدئولوگها و اطاق فکریهای این جنبش با پیامهای ریاکارانه یکپه به یاد کارگر افتادند، و به پاپوشش آمدند. در تکمیل این سناریو، شاخه های مختلف کمونیسم بورژوازی تحت عناوین مختلف، ضرورت همبستگی با "جنبش و انقلاب جاری، جنبش توده ای، دفاع از جنبش مدنی و دموکراسی" در واقع طبقه کارگر را به حمایت از "جنبش جاری سبز" فراخواندند. خلاصه کنم صفتی متنوع به کمین نشسته بود تا طبقه کارگر را در این روز به کمین جنبش سبز بیندازند. خوشبختانه موفق نشدند. صرفنظر از جنبه های محدودی از "التقاط و ابهام" جنبش اول مه امسال اساساً و به روشنی دست رد به سینه جنبش جاری سبز و حارویون راست و چپ آن زد و نگذاشت رنگ سبز به جنبش کارگران در اول مه زده شود. در بخش بعدی این مصاحبه به جنبه های مختلف این رویداد و چه باید کرد دوره بعد از اول مه میپردازم.

مصاحبه کننده : اسماعیل ویسی  
\*\*\*

## در باره اعدام....

و این فقط موضوعی میان دولتها نیست. بنظر من اعضای سازمانهای چریکی که به دولتها اعلام جنگ داده‌اند و در عملیات نظامی دستگیر میشوند باید از حقوق اسرای جنگی برخوردار باشند. قوانین موجود باید عمیقاً به نفع این اسرا تغییر کند. بنظر من زندانی کردن فرد و جلوگیری از زندگی متعارف او باید ممنوع باشد. اما میتوان قوانینی وجود داشته باشد که تا پایان جنگ و یا تا مطمئن شدن از عدم تمایل فرد به شرکت مجدد در جنگ، مانع الحاق مجدد او به ارتشش بشود. و بالاخره قطعاً مقوله‌ای به اسم جنایت جنگی داریم. این مقوله باید جدا باز تعریف بشود و تمام مواردی که نیرویی افراد غیر نظامی و وسائل زیستی و رفاهی آنها را مورد تعرض قرار میدهند را در بر بگیرد. در این سالهای اخیر شاهد وسیعترین جنایات جنگی توسط ارتشهای دول غربی و محلی در کشورهای مختلف، مانند عراق و یوگسلاوی، بوده‌ایم. جنایتکاران جنگی بسیاری، امروز بعنوان رهبران و قهرمانان ملی و فرزندان وطنپرست ملل و اقوام مختلف راست راست میان مردم راه میروند که میبایست شاهد محاکمه آنها باشیم.

۸- **علل اصرار و اشتیاق مسلمانان بنیادگرا به کشتن و حذف فیزیکی مخالفان خود بویژه دگراندیشان را در چه میدانید؟**

**پاسخ:** اینکه آیا کسی اول به آدمکشی علاقمند میشود و بعد مسلمان بنیادگرا میشود و یا برعکس اول مسلمان بنیادگرا میشود و بعد به حکم شرع انور، آدمکش میشود، چیزی است که من ابزار تحقیق و موشکافی در آن را ندارم. ولی مطمئناً پاسخ یکجایی در همین یک جمله شما نهفته است.

از آرشبو کورش مدرسی - منتشر شده در "منتخب آثار منصور حکمت، ضمیمه ۱"، انتشارات حزب کمونیست کارگری - حکمتیست، ژوئیه ۲۰۰۶ - صفحات ۳۰۳ تا ۳۰۷

# نه قومی، نه اسلامی، زنده باد هویت انسانی!

## درباره مجازات اعدام مصاحبه سازمان دفاع از زندانیان سیاسی با منصور حکمت

۱. حزب کمونیست کارگری در اسناد خود به صراحت از ضرورت لغو اعدام سخن گفته است، اما شما از چه زاویه و نگاهی و با چه تحلیلی لغو اعدام را ضروری میدانید؟

پاسخ: مجازات اعدام اسم دولتی کلمه کشتن است. افراد یکدیگر را به قتل میرسانند، اما دولتها افراد را به "اعدام" محکوم میکنند. خواست لغو اعدام و ممنوعیت قتل نفس هر دو از یکجا مایه میگیرند، مخالفت با کشتن عامدانه و آگاهانه و با نقشه قبلی کسی توسط کس دیگر. اینکه یکسوی این قتل یک دولت و با یک مرجع فائقه سیاسی است کوچکترین تغییری در این واقعیت نمیدهد که ما با یک قتل عمد طرفیم. مجازات اعدام وقیحانهترین و کثیفترین شکل قتل عمد است. چون یک نهاد سیاسی، جلوی روی مردم، با اعلام قبلی، از قول جامعه، در نهایت حق بجانبی، در نهایت خونسردی، تصمیم به کشتن کسی میگیرد و روز و ساعت واقعه را هم اعلام میکند.

۲. با لغو مجازات اعدام، جنایتکاران قاتل چگونه باید کیفر ببینند؟

پاسخ: سؤال جالبی است. با لغو مجازات اعدام همان اول جلوی یک قاتل عمده، یعنی دولت، که هیچوقت هم بخاطر قتل نفس کیفر ندیده است گرفته میشود. سؤال شما این تصور را بوجود میآورد که گویا مجازات اعدام را برای کیفر دادن قاتلین ابداع کردهاند. یا گویا این مجازاتی است که قانونگذاران پس از غور و تفحص با جرم قتل متناسب یافتهاند. اما مجازات اعدام ربطی به مسأله قتل در جامعه ندارد. تاریخ خودش را دارد. حقوق و قدرت دولتهای امروز در برابر اهالی، امتداد حقوق و قدرت دولتهای دیروز است. وقتی آغا محمد خان قاجار تمام اهالی یک شهر را کور میکند و میکشد، مشغول کیفر دادن کسی بخاطر جرمی نیست. وقتی اسب دزد را در آمریکا دار میکشند و یا سرباز فراری را اعدام میکنند، مشغول کیفر دادن کسی به معنی قضایی کلمه نیستند. بلکه صاف و ساده دارند مردم را سرچاپشان مینشانند، دارند مردم را به تمکین به مقررات و دستورات وادار میکنند. دارند ارباب میکنند دارند حکومت میکنند. در همین جهان امروز اعدام فقط کیفر قتل نیست، کیفر سکس غیر

مجاز، کیفر احتکار، کیفر اعتقاد به مرام اشتراکی، کیفر تشکیل احزاب مخالف، کیفر طنز کردن خدا و پیغمبر و امام، کیفر همجنسگرایی و غیره هم هست. کشتن اهالی، از ابتدای جامعه دارای حاکمیت، یک رکن به تسلیم کشیدن مردم بوده و هنوز هم هست. تاریخچه مجازات اعدام نه در مباحثات حقوق قضایی درباره جنایت و مکافات، بلکه در تاریخ حاکمیت طبقاتی و دولت است. امروز هم دولتها شهروندان را میکشند. باید جلوی این را گرفت.

میسرسید اگر مجازات اعدام نباشد باید با قاتلین چه کرد. کشتن قاتل تکرار قتل است. ما میگوییم این یک کار را بیهیچوجه نمیشود کرد. اینکه چه کار دیگری میشود کرد بستگی به فلسفه قضایی جامعه دارد. در همین سیستم موجود میتوان قاتل را حبس کرد. در یک جامعه ایدهآل شاید بشود مردم را از تکرار جرم توسط او مصون کرد، تلاش کرد قبح کارش را به او فهماند، بدون آنکه حتی لازم باشد آزادیاش را هم از او سلب کنند. در یک جامعه ایدهآل شاید بشود کاری کرد که قتل عمد رخ ندهد.

۳. حزب کمونیست کارگری ایران با پاسداران و شکنجهگرانی که در درگیریها اسیر میشوند، در صورتیکه ثابت شود دستشان بخون مردم آلوده است چگونه رفتار خواهد کرد؟

پاسخ: در قوانین مورد نظر ما اعدام و حبس ابد نیست. قاعدتا این آدمها را باید به حبس محکوم کرد و رویشان کار کرد شاید بتوانند روزی به آغوش جامعه برگردند و کاری کنند مردم ببخشندشان.

۴. با اعدام نکردن قاتل، عدالت درباره خانواده مقتول چگونه اجراء میشود؟

پاسخ: اینکه خانواده مقتول صاحب خون است، و عدالت، طلبی است که خانواده مقتول از جامعه دارد، یک مفهوم عشیرتی و عقبمانده و غیر قابل پذیرش است. غم و داغ خانواده مقتول انکارناپذیر است. اما اگر اعدام بخاطر تسکین غم و داغ افراد مجاز باشد، چرا خود قتل به بهانه احساساتی مشابه مجاز نیست؟ آیا کسی که توسط دیگری تحقیر و خرد شده، خانه خراب شده، معتاد شده، ورشکست شده، دربدر شده، میتواند برای تسکین احساس تلخ درونی خود دست به قتل او بزند؟ آیا دولت آدمکش مجازی است که افراد برای گرفتن انتقام به آن مراجعه میکنند؟ آیا عدالت مفهومی است که جای انتقام عشیرتی نشسته است؟ در مورد مفهوم عدالت شاید باید در فرصت

دیگری بیشتر حرف زد. این مقوله آنقدرها که بعضی فکر میکنند ابژکتیو و ماوراء طبقاتی نیست. در این مقوله با لغو مجازات اعدام، درجه جنایت در جامعه بالا نخواهد رفت؟

پاسخ: خیر. برعکس. همانطور که گفتیم همان اول کار جلوی یک لیست بالابند قتلتهای دولتی گرفته میشود. دادگستری و دولت آمریکا پرکارترین قاتل حرفهای آن کشور است. لغو مجازات اعدام مانند اینست که ۱۵۰ قاتل سریال یکجا دستگیر شده باشند! ثانیاً، جامعه‌ای که کشتن انسانها را مطابق قانون مجاز کرده باشد هرگز نمیتواند جلوی تکرار همین عمل در میان اهالی را بگیرد. لغو حکم اعدام و اعلام ارزش جان آدمی، اولین گام در مبارزه با فرهنگ آدمکشی در جامعه است. آمارهای رسمی هم به روشنی نشان میدهد که در هلند و اسکاتلندی و انگلستان که مجازات اعدام ممنوع است، آمار قتل(به نسبت جمعیت) به مراتب کمتر از آمریکا است.

۶. بنظر شما مجازات جنایتکاران برای رسیدن به چه هدفی باید انجام گیرد؟

پاسخ: نمیدانم آیا اصولاً کلمه مجازات کلمه خوبی برای یک سیستم قضایی انسانی هست یا خیر. بنظر من، بحث پیشگیری و از بین بردن زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی جنایت به کنار، اولاً، جامعه باید با حداقل اعمال خشونت و با حداقل سلب اجازه زندگی متعارف از مجرمین، خود را از تکرار جرم توسط آنها مصون کند. ثانیاً، کمک کند این افراد متحول بشوند. بنظر من مجازاتهای انتقامی و عبرت‌آموزانه باید لغو بشود. باید بجای برسیم که جامعه چنان از خشونت فاصله بگیرد که به موارد خشونت مثل بلایای طبیعی رفتار کند، به کمک قربانیان بشتابد، سعی کند از موارد بعدی آن جلوگیری کند و یا خسارات آن را به حداقل برساند، بی آنکه کسی را به رسم قربانی در آتشفشان بیاندازد و یا به دریا تازبانه بزند.

۷. اگر لغو مجازات اعدام، یکی هم به دلیل ارزش نهادن به گوهر انسان و حق حیات آن است، در انصورت خواست آزادی زندانیان سیاسی‌ای که در اثر عملیاتشان انسانهای بی‌گناه کشته شده‌اند، چگونه باید دنبال شود؟ مثلاً با مبارزی که در اثر بمب‌گذاری در اتوبوس و یا مکانی دیگر، موجب کشته شدن یک یا چند نفر شده است چه باید کرد؟ آیا باید خواستار آزادی او شد؟

پاسخ: من آدمی را که در اتوبوس و هواپیمای مردم بمب گذاشته باشد

مبارز اطلاق نمیکنم. متأسفانه در یک دوره معین این روش در برخی جنبشهای حقوق طلبانه باب شد و بعد توسط برخی جنبشهای ارتجاعی به یک هنر آدمکشی تحت لوای سیاست ارتقاء داده شد. یک فرمول کلی در قبال اینها ندارم. بستگی به دولتی دارد که اینها با آن در حال جنگ هستند. بستگی به موازین قضایی کشور مربوطه و مشروعیت حقوقی آن دارد. بستگی به شرایط وقوع این اتفاق دارد. بنظر من پرونده بمببست‌هایی که به اهداف غیر نظامی حمله کرده‌اند یک پرونده سیاسی نیست. ممکن است دلایل مخفیه سیاسی برای وقوع جرم ارائه و بشود و حتی ترتیب اثر داده بشود، اما خود پرونده یک پرونده سیاسی نیست. منتهی یک چیز را یادآوری کنم. اگر بنا باشد کسانی را که با بمب به مردم غیر نظامی حمله کرده‌اند بگیرند و محاکمه کنند، هفت هشت رئیس جمهور و نخست وزیر غربی و صدها بوروکرات و ژنرال و فرمانده آمریکایی و اروپایی در ریف اول متهمین خواهند بود. من فرقی میان نیوتی مک‌کوی که در اوکلاه‌ها آن جنایت عظیم را کرد با کسانی که بمب روی پناهگاه و خانه و مدرسه مردم بغداد انداختند و آن همه را کشتند نمیبینم.

الف. اگر جواب منفی است در آنصورت چه قدرتی باید او را محاکمه کند؟ پاسخ: قدرتی که از نظر حقوقی مشروعیت داشته باشد. حکومت‌های استبدادی بنا به تعریف مشروعیت ندارند. بنظر من برای محاکمه ژنرال شوارتسکفها و بن‌لادنها میتوان در همین جهان بورژوازی هم دادگاههای قابل قبولی یافت یا ایجاد کرد.

ب. اگر جواب مثبت است در آنصورت تعریف شما از زندانی سیاسی چیست؟

پاسخ: بنظر من دو مقوله زندانی سیاسی و اسیر جنگی وجود دارد که هر دو به این بحث مربوط است. زندانی سیاسی کسی است که بجرم مخالفتش با دولت مربوطه زندانی شده است. زندانی سیاسی بنا به تعریف باید آزاد بشود. محاکمه‌ای نباید در کار باشد. کسی که علیه حکومتی فعالیت سیاسی کرده است اصلاً نباید دستگیر بشود. اسیر جنگی هم جرمی نکرده و نباید از حقوق مدنی خود و از جمله آزادی خود محروم بشود. منتها بنظر من در یک جنگ طرفین باید اجازه داشته باشند به طرق قابل قبول مانع ملحق شدن مجدد فرد دستگیر شده به ارتشش بشوند. ادامه در صفحه ۲

## نه قومی، نه اسلامی، مرگ بر جمهوری اسلامی

این عمل جنایتکارانه سازمان دهیم؟ می شود و باید در صف هزاران نفره خانواده عزیز زندانیان سیاسی اعدام شده اخیر را در آغوش گرفت! به آنها سرکشی کرد. هر جا امکان دارد باید مراسم یادبود گذاشت و به این جنایت اخیر اعتراض کرد. ما به خانواده عزیز زندانیان سیاسی اعدام شده فرزند کمانگر، علی حیدریان، فرهاد و کیلی، شیرین علم هولی و مهدی اسلامیان تسلیت میگوییم و خود را شریک غم و اندوه از دست دادن این عزیزان میدانیم!

ننگ و نفرت بر جمهوری جنایتکار اسلامی!

زنده باد یاد و خاطره فرزند کمانگر و دیگر زندانیان اعدامی اخیر

زنده باد آزادی برابری، حکومت کارگری

19 اردیبهشت 1389

## اعدام فرزند کمانگر را

### بی جواب نگذارید!

پیام رضا کمانگر، جمال کمانگر،

ابراهیم باتمانی و پیمان حسینی به

همه آزادیخواهان کردستان، بویژه

مردم کامیاران!

مردم آزادیخواه و مبارز کردستان!

همه ما با شنیدن خبر اعدام فرزند کمانگر و دیگر زندانیان سیاسی در روز یکشنبه 19 اردیبهشت 1389 متاثر و اندوهگین شدیم. کینه و نفرت نسبت به این عمل جنایتکارانه وجود تک تک ما را فرا گرفته است! برای ما که فرزند را از نزدیک میشناختیم، فرزند کمانگر معلم محبوب شهر مان بود. اما جنایتکاران اسلامی رذیلانه این معلم آزادیخواه و محبوب همه ما را پای چوبه دار بردند تا آزادیخواهی و برابری طلبی را در جامعه سلاخی کنند.

فرزند بر خلاف پرونده سازیها و اتهاماتی که به وی نسبت داده شده بود واقعا جرمی نداشت و جرمی مرتکب نشده بود. فرزند فلسفه زندگیش را در آخرین نامه قبل از اعدام چنین بیان کرد: "مگر می توان بار سنگین مسئولیت معلم بودن و بذر آگاهی پاشیدن را بر دوش داشت و دم برنیاورد؟"

مگر می توان بغض فروخورده دانش آموزان و چهره ی نحیف آنان را دید و دم نزد؟

مگر می توان در قحط سال عدل و داد معلم بود، اما "الف" و "بای" امید و برابری را تدریس نکرد، حتی اگر راه ختم به اوین و مرگ شود؟

نمی توانم تصور کنم در سرزمین "صمد"، "خانعلی" و "عزتی" معلم باشیم و همراه ارس جاودانه نگردیم. نمی توانم تجسم کنم که نظاره گر رنج و فقر مردمان این سرزمین باشیم و دل به رود و دریا نسپاریم و طغیان نکنیم؟"

مردم آزادیخواه کامیاران!

جمهوری اسلامی در حالی امروز دست به این جنایت زد که سالهاست با بحران سیاسی، اقتصادی و فرهنگی روبرو است. ترس از مردم معترض سرپای رژیم را فرا گرفته است و این اعدامها نشان استیصال و درماندگی است. تنها راه خاتمه دادن به جنایت و ددمنشی رژیم هار اسلامی سرمایه در ایران سرنگونی و پایان آن است. با تشدید مبارزه در عرصه های مختلف به عمر این رژیم باید پایان داد.

امروز همه ما در مقابل این سنوال قرار گرفته ایم چگونه میتوان خشم و اندوه خود را در مقابل



سه رده شت عثمان

"سه رده شت عثمان" در سایه "حکومت کردستان" ترور شد.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری-حکمتیست در اطلاعیه ای که به زبان کردی و در خطاب به مردم کردستان عراق منتشر کرده است این جنایت و عملکرد تروریستی را محکوم کرده است و خواهان دستگیری فوری عاملین این جنایت شده است. کمیته کردستان حزب حکمتیست در آن اطلاعیه همچنین با آزادیخواهان جامعه کردستان و خانواده سه رده شت عثمان اظهار همدردی کرده و به آنها تسلیت گفته است.

سه رده شت عثمان روزنامه نگار جوان و منتقد فساد مالی و نبود آزادیها در جامعه کردستان عراق بود و در سطح عراق و کردستان از محبوبیت خاصی برخوردار بود. او در آخرین مقالات خود به حاکمیت مافیای "حکومت کردی" تحت عنوان "آنها خدا نیستند" به نقد نشسته بود و چند بار مورد تهدید قرار گرفته بود.

روز ۴ مه این روزنامه نگار در مقابل دیدگان ماموران دولتی و مردم و در روز روشن از جانب چند فرد مسلح ربوده شد و دو روز بعد جسد او در شهر موصل پیدا میشود.

در اعتراض به این جنایت و آدمکشی در کردستان عراق و خارج کشور تظاهراتی وسیعی در محکومیت این عمل تروریستی و بر علیه "حکومت کردستان" در اربیل به راه افتاده است و مردم خواهان شناسایی و محاکمه عاملین تروریستها هستند.

یاد این روزنامه نگار جوان آزادیخواه، و منتقد و ضد مافیای سرمایه داری و عشایر حاکم بر کردستان عراق گرامی باد!

### اعلامیه کمیته کردستان حزب

#### حکمتیست

#### فعالین کارگری دستگیر شده سنندج

#### باید آزاد شوند

در آستانه اول مه روز جهانی کارگر، رژیم سرکوبگر اسلامی بار دیگر در سنندج و شهرهای دیگر با تهدید فعالین کارگری و دست اندرکاران برگزاری اول مه سعی کرد مانع برگزاری مراسمهای اول مه شود. این اقدام سرکوبگرانه ناکام ماند و کارگران با ابتکارات مختلف جش طبقاتی خود را برگزار کردند. اکنون جمهوری اسلامی با ادامه بازداشت تعدادی از فعالین کارگری میخواهد از کارگران زهر چشم بگیرد. به علاوه بنا به خبر اتحادیه آزاد کارگران، تعدادی از اعضای این اتحادیه توسط نیروهای امنیتی تهدید شده و تا این لحظه صدیق کریمی و فایق کیخسروی و فواد شبکه فرد در بازداشت بسر میبرند و وضعیت آنها نامشخص است.

خانواده دستگیر شدگان در مقابل دستگاه اطلاعاتی رژیم در سنندج تجمع کرده و به این دستگیریها اعتراض کردند. معترضین مورد ضرب شتم مزدوران رژیم قرار گرفتند. بی تردید اعتراض خانواده های دستگیرشدگان لازمست مورد حمایت مردم منتظر از جمهوری اسلامی و همه کارگران و شرکت کنندگان در اول مه قرار گیرد.

کمیته کردستان حزب حکمتیست ضمن محکوم کردن دستگیریها و ادامه بازداشت فعالین کارگری، از کارگران و مردم آزادیخواه شهر سنندج و دیگر شهرها می خواهد که فعالین کارگری دستگیر شده را نباید تنها گذاشت، با ابتکارات اعتراضی و با خواست "آزادی فوری دستگیر شدگان" تجمعات اعتراضی خانواده هارا لازمست تقویت کرد و این مبارزه را مورد حمایت جدی قرار داد.

دستگیر شدگان اول مه فوری باید آزاد شوند. کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری-حکمتیست

سیزدهم اردیبهشت 1389- سوم اول مه 2010

## زنده باد سوسیالیسم!

## ناسیونالیسم و کمونیزم ....

در کردستان عراق به یمن ثروت بیش از حد مافیای قدرت رومانی فرهنگی " غنی " ساخته شده است که طیف وسیعی از کارگزاران فرهنگی را به خود مشغول داشته است تا تصاویر این بهشت سرمایه داران کرد را بارنگ و لعاب هر چه تمام تر از طریق غول رسانه های خود به خورد جامعه بدهند و رومانی فرهنگی جامعه را طبق نیازهای خود که تمکین و تسلیم و ابراز رضایت! توده های مردم از وضع موجود است، شکل دهند. متأسفانه توده های مردم زحمتکش تصاویر وارونه این بهشت را در انبوهی از محصولات " فرهنگی " نظام سرمایه داری مانند موسیقی و ترانه و فیلم می گیرند و به آگاهی کاذب در شناخت نظام سرمایه داری تبدیل می کنند.

از تجربه عینی تخاصم طبقاتی در کردستان عراق که بدگذریم، ناسیونالیسم کرد در کردستان ایران نیز همزمان با تحولات منطقه ای شیوه های مختلفی از تمرین کسب قدرت را در این دو دهه تجربه کرده است. جناح راست آن در قالب حزب دمکرات و گروه های کوچک دیگر مانند همیشه از بالا و از طریق دیپلماسی راه خود را ادامه داده است. جناح چپ ناسیونالیسم کرد در قالب کومه های جدید نیز در دورانی با نفی صریح کمونیزم و آزادیخواهی اعتبار نامه خود را از بورژوازی جهانی و منطقه ای مهر زدند و در دوره ای به " اصلاحات " خاتمی دل خوش کردند، زمانی به جنگ بوش در منطقه توسل کردند در دوره جنبش سبز نیز انواع عشو ه های لیبرال مآبانه از خود نشان داده اند، اما هنوز این " شانس " را پیدا نکرده

اند که سهمی از قدرت را در منطقه بدست بیاورند. از سوی دیگر همزمان با تحولات منطقه ای، بافت ناسیونالیسم کرد در کردستان ایران در مقایسه با سه دهه قبل به شدت تغییر یافته است. اگر در دهه شصت حزب دمکرات نماینده انحصاری ناسیونالیسم کرد را در اختیار خود داشت، امروزه ناسیونالیسم چپ کرد در کومه های جدید با استفاده از ادبیات چپ در این بازی قدرت شرکت می کنند. از سوی دیگر در یک دگردیسی و قیحانه، قاتلان مردم کردستان (پیشمرگان مسلمان کرد) توانسته اند بخشی از زحمت "اپوزیسیون خشونت طلب کرد" را کم کرده و در قالب انجمن های حقوق بشری، جبهه متحد کرد و نهادهای مشابه خود به دکاندار سیاسی تبدیل شوند. جناح چپ تر ناسیونالیسم کرد نیز با فرمول بندیه های متفاوت و لرزان تلاش دارد با مصادره " حق تعیین سرنوشت " حل مسأله ملی در کردستان را در قبضه خود بگیرد و از این طریق بخش نسبتاً وسیعی از توده های مردم زحمتکش را به خود جلب کند. اما با نگاهی به تمامی جنبش هایی که از فرمول بندی حق تعیین سرنوشت برای کسب قدرت استفاده کرده اند از جمله در منطقه بالکان و در کردستان عراق به روشنی می توان دید مدافعان دیروزی حق تعیین سرنوشت به نیروی سرکوب و مصادره سرمایه های آحاد آن "ملت" تبدیل شدند. در اینجا باز ناچار هستم به تجربه ناسیونالیسم کرد در کردستان عراق در " تعیین سرنوشت ملت کرد " اشاره ای داشته باشم. وجود گذشت نزدیک به دو دهه از قدرت ناسیونالیسم کرد در کردستان عراق هیچ تلاشی از سوی احزاب حاکمه برای حل مسئله ملی که استقلال کردستان می تواند بهترین گزینه باشد، صورت نگرفته

است. علاوه بر این تمام دستاوردهایی که نمودی از دخالت انسان در سرنوشت خود می باشد مانند شوراها، روزنامه نگاری مستقل، نهادهای حمایت از زنان و کودکان نه با زبان چرب رهبران ناسیونالیسم کرد بلکه با نیروی کلاشینکف و مسجد از مردم گرفته شدند.

امروز با مشاهده وضعیت کردستان عراق می توان چشم انداز و افق ناسیونالیسم کرد در ایران را که به مراتب تنگ نظرانه تر و خام تر از هم کیشان خود است دید و از سوی دیگر چهره فریبکارانه کمونیزم بورژوازی کرد که فرصت طلبانه لباس چپ را بر تن اش کرده است و از کمونیزم فقط " حق ملل در تعیین سرنوشت خود " را آنهم ناقص فهمیده است در مارکسیست های سابق کردستان عراق دید. اگر حقیقتی در این تاریخ وجود داشته باشد این است که بورژوازی کرد برای دست یابی به قدرت انواع و اقسام شیوه های بخت آزمایی را امتحان کرده است و از جمله در سنگر چپ و با استفاده از نیروی بخشی از طبقه کارگر تحت نام "تعیین سرنوشت خود" توانسته است قانون بازی را برای مدتی به نفع خود بنویسد. از سوی دیگر حق تعیین سرنوشت به معنی واقعی آن یعنی قرار دادن جامعه در مقابل یک انتخاب سیاسی آگاهانه به گونه ای که بیشترین منافع طبقه کارگر را تأمین کند، در معادلات سیاسی ناسیونالیسم کرد غایب است. ناسیونالیسم کرد سعی دارد مسائل سیاسی را از بالا وبدون دخالت توده های مردم حل کند و این واقعیت به قیمت زد و بند های سیاسی، پلنیک زدن و حذف اراده مردم در سرنوشت خویش تمام می شود. نمونه کردستان عراق به روشنی نشان می دهد که در 20 سال گذشته " تعیین

سرنوشت سیاسی کردستان" به هیچ عنوان از سوی احزاب ناسیونالیستی حاکم بر زندگی مردم به عنوان یک انتخاب در برنامه آنها قرار نداشته است. دلائل و بهانه آنها هر چه باشد تغییری در این واقعیت نمی دهد که بورژوازی کرد تمایلی به اعمال اراده توده های مردم ندارد. طبقه کارگر و مردم زحمتکش کردستان باید هوشیارانه عمل کنند و بیش از این به نیروی دشمنان طبقاتی خود تبدیل نشوند. کمونیزم کارگری به عنوان یک تجربه غنی سی سال مبارزه پی گیر در نوک حمله این نبرد طبقاتی قرار داشته و تمام توهامات ناسیونالیستی، خلقی، شبه خلقی و پوپولیستی را زیر نقد تند و تیز خود قرار داده است و اجازه نخواهد داد طبقه کارگر به سیاه لشکر جناح های مختلف بورژوازی و از جمله بورژوازی کرد و جناح چپ آن در آید.

نیمه تاریک دبی، ترجمه ای از وضعیت دبی به قلم من <http://www.hekmatist.com/k159-saif.htm>

### اکتبر:

در شماره ویژه نشریه اکتبر ۳۶ در مورد "مقاومت ۲۴ روزه مردم سنندج" گفتگوی با حسین مرادیگی، حمه سور داشتیم در آنجا فرماندهی آن مقاومت که علی گلچینی، صلاح ره ش بود از قلم افتاده بود بدینوسیله اینجا تصحیح میشود

## گزیده اخبار ....

پاته :

مراسم با شکوهی به مناسبت روز جهانی کارگر با حضور دهها فعال کارگری و خانواده هایشان در مسیر جاده سورین در ۲۰ کیلومتری شهرپاته برگزار شد. این مراسم از ساعت ۳ بعد از ظهر شروع و تا ساعت ۶ ونیم عصر ادامه داشت. در این مراسم به احترام جان با ختگان یک دقیقه سکوت شد و سپس برنامه های متنوعی ارائه شد. از جمله این برنامه ها قرائت نامه فرزند کمانگر به معلمان و مطلبی به نام شرایط زنان کارگر

بود. در پایان مراسم قطعنامه تشکل های کارگری به مناسبت اول ماه مه سال ۱۳۸۹ خوانده شد و مورد تایید حاضرین قرار گرفت

### کامیاران:

روز شنبه ۱۱ اردیبهشت ۱۳۸۹، افشین ندیمی از فعالین کارگری و عضو کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری به اداره اطلاعات شهرستان کامیاران احضار شد. ماموران اداره اطلاعات ضمن تهدید اوی را به مدت یک ساعت مورد بازجویی قرار داده و از وی خواسته بودند که مکان برگزاری مراسم روز جهانی کارگر را به آنان

بگوید. افشین ندیمی به این درخواست ماموران اداره اطلاعات جواب رد داده و سر انجام بعد از چند ساعت آزاد شد.

### مربوان:

بر اساس گزارش رسیده، سه نفر از فعالین کارگری شهر مربوان به اسامی " سلام قادری، خالد اسدی و آزاد حسینی " در دادگاه انقلاب شهر مربوان دادگاهی شده و بر طبق حکم صادره از طرف آن دادگاه به اتهام فعالیت تبلیغی علیه نظام، عضویت در کمیته هماهنگی و پاره ای اتهامات دیگر هر کدام به تحمل سه سال و ده ماه حبس تعزیری محکوم شدند. قابل ذکر است که نامبرندگان در

زنده باد برابری!

زنده باد آزادی!

## گزیده ای از اخبار و رویدادهای کارگری در شهرهای کردستان

تهیه و تنظیم از: اسماعیل ویسی

### سنندج

بر اساس گزارش فعالین کارگری از شهر سنندج به مناسبت اول ماه مه روز جهانی کارگر مراسمات متنوعی برگزار شد. فعالین کارگری قبل از فرارسیدن جشن اول مه باتشکیل "کمیته های اول ماه مه" به استقبال این روز رفتند.

از سوی دیگر نیروهای سرکوبگر برای تشدید فضای رعب و وحشت در میان کارگران، تعدادی از فعالین کارگری توسط نیروهای امنیتی بازداشت و بازجویی شدند. صدیق کریمی، فواد کیخسروی و شپت امانی از جمله بازداشت شدگان بودند. اداره اطلاعات این شهر نیز به کارگران خیز و فعالین بخشهای خدماتی و صنعتی اعلام کرده بود که نباید در مراسم غیردولتی شرکت کنند.

با وجود تعقیب و فضای شدید امنیتی، صدها نفر از کارگران و فعالین کارگری در مرکز شهر و جنب بازار فریدونی مراسم خود را با شادی و سرور برگزار کردند. در این مراسم فعالین کارگری در میان کارگران، دست فروشان و شهروندان سنندجی شیرینی پخش کردند.

شرکت کنندگان در این مراسم با دست داشتن پلاکاردهایی خواهان آزادی زندانیان سیاسی، تامین حقوق کودکان، برابری زن و مرد، حق داشتن تشکل های مستقل کارگری و آزادی رفقای دربندشان شدند. یکی از کارگران قطعنامه ای ده ماده ای منتخب جمعی از کارگران و جمعی از فعالین شورایی را برای شرکت کنندگان خواند که مورد تأیید آنها قرار گرفت. مراسم تجمع با تشویق کارگران و حاضرین و سردادن شعار کارگر اتحاد اتحاد پایان یافت.

در مراسمی دیگر، ساعت 6 بعد از ظهر روز اول ماه مه جمعیتی از کارگران که تعداد آنها به حدود 200 نفر می رسید، در خیابان نمکی از خیابانهای مرکزی این شهر تجمع

کردند و به طرف میدان فردوسی دست به راهپیمایی زدند. در همان لحظه های اول شروع راهپیمایی به طرف میدان فردوسی در حالی که کارگران پلاکاردهایی در رابطه با اول ماه مه بدست گرفته بودند و شعار "کارگر اتحاد اتحاد" سر می دادند مورد تهاجم نیروهای امنیتی و گارد ویژه قرار گرفتند و در نتیجه تعدادی از شرکت کنندگان در این مراسم از جمله "فواد شبکی فر" بازداشت گردید.

روز جمعه 10 اردیبهشت ماه در حومه شهر سنندج نیز مراسمی در گرمیداشت روز جهانی کارگر برگزار گردید. مراسم ابتدا با یک دقیقه سکوت در گرمیداشت یاد جانباختگان راه آزادی و برابری آغاز و پس از آن در مورد تاریخچه و مبارزات طبقه کارگر در جهان و ایران سخنرانی ایراد گردید. در ادامه سرود انترناسیونال سرود همبستگی جهانی طبقه کارگر اجرا و قطعنامه مشترک روز جهانی کارگر تشکل های کارگری ایران در سال 1389 قرائت گردید. این مراسم بعد از سخنرانی تنی چند از حاضرین در میان شادی و شور شرکت کنندگان به پایان رسید.

اهالی روستای "عنبریزان" از توابع سنندج یازده اردیبهشت روز جهانی کارگر را گرامی داشتند.

### سنندج:

احضار 5 نفر از اعضای اتحادیه آزاد کارگران ایران در سنندج به اداره اطلاعات دهم اردیبهشت ماه 89 آقایان شریف ساعد پناه، شپت امانی، صدیق کریمی، اسماعیل کاظمی و خالد سواری از فعالین و اعضای هیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران در شهر سنندج به اداره اطلاعات این شهر احضار شدند. مامورین امنیتی پس از احضار این کارگران ضمن بازجویی از آنان در مورد مراسم اول ماه مه در سنندج از آنان خواسته اند فردا اقدام به برگزاری مراسم اول ماه نکنند و در هیچ مراسمی نیز شرکت نکنند و تلاش کرده اند در اینمورد از این کارگران تعهد بگیرند.

در اعتراض به بازداشت کارگران بازداشتی " صدیق کریمی، فایق کیخسروی و فواد شبکی فرد " در مراسم اول ماه 89 در سنندج 12 اردیبهشت ماه 89 در مقابل ستاد خبری وزارت اطلاعات خانواده ها

شان تجمع نمودند و حواستار آزادی بازداشت شدگان شدند.

بنا بر این گزارش بدنبال این تجمع مامورین وزارت اطلاعات برادر فایق کیخسروی، (حیدر کیخسروی) را به درون ساختمان ستاد خبری وزارت اطلاعات در سنندج دعوت کردند که پس از این دعوت و ورود حیدر به ساختمان این ستاد، نامبرده با سر و صورتی کیبود و ورم کرده از این ستاد خارج شد که این امر خشم و انزجار خانواده های تجمع کننده را بر انگیخت و خواهان فواد کیخسروی به همراه تجمع کنندگان با سر دادن شعار و ایراز خشم از وضعیت پیش آمده، مقابل ستاد خبری وزارت اطلاعات در بلوار شبلی را به صحنه اعتراضی تبدیل کردند..

روز 14/2/14 " فواد شبکی فر به همراه امجد آتری نیوفر " که نامبرده نیز در روز اول ماه مه دستگیر شده بود به دادگاه اعزام شدند و آقای فواد شبکی فر با سپردن وثیقه ده میلیون تومانی و امجد آتری نیوفر بدون سپردن وثیقه همانجا آزاد شدند.

روز یکشنبه 5 اردیبهشت ماه محمود رحمتی اهل شهر پاوه یکی از کارگران سد ژاوه واقع در روستای "نولاب" شهر سنندج در حین کار به داخل رودخانه سقوط نمود و در کمال تاسف جان باخت.

بنا بر اطلاعیه خبری اتحادیه آزاد کارگران ایران. صدیق کریمی از اعضای هیئت مدیره اتحادیه که صبح روز اول ماه مه بازداشت شده بود با قرار وثیقه 50 میلیون تومانی ظهر روز پنج شنبه 16 اردیبهشت ماه از زندان آزاد شد. بنا بر این گزارش فواد کیخسروی از دیگر اعضای بازداشتی اتحادیه آزاد کارگران ایران که از صبح روز اول ماه مه در زندان بسر میبرد از اعتصاب غذا صرف نظر کرده و قرار است روز شنبه 18 اردیبهشت ماه از زندان آزاد شود. به صدیق کریمی اتهام اقدام علیه امنیت ملی از طریق عضویت در اتحادیه آزاد کارگران را زده اند.

### سقز:

روز جمعه دهم اردیبهشت ماه جمع کثیری از زنان و مردان کارگر از ساعت 5/5 صبح به طرف کوه جامل که محل تفریحگاه مردم سقز می باشد حرکت کردند. ساعت 8 صبح مردم زیادی در بالای کوه تجمع کردند و مراسمی به مناسبت روز جهانی کارگر برگزار شد. ابتدا برای

احترام به جانباختگان راه آزادی طبقه کارگر یک دقیقه سکوت اعلام شد. سپس محمود صالحی در مورد روز جهانی کارگر سخنانی کرد. مراسم با شعر و سرود خوانی شور و شوق و شرکت کنندگان پایان یافت.

در یک تجمع دیگر در شهر سقز، یکی از فعالین کارگری در حالی که تجمع کنندگان با بر افراشتن پرچم سرخ دور او حلقه زده بودند و از وی محافظت می کردند، سخنرانی نمود. بعد از توزیع قطعنامه کارگران ایران در بین مردم و حاضران، شرکت کنندگان با پخش شیرینی به طرف میدان هه لو حرکت کردند که با انبوهی از نیروهای انتظامی و لباس شخصی روبرو شدند. لیکن مردم معترضی با بی اعتنایی به آنان به راهپیمایی خود ادامه دادند و مسیرهای "جامعه، پل هوایی، چهار راه آزادی و بانک صادرات مرکزی" را پیوموند که در آخرین مسیر هدف یورش نیروهای امنیتی قرار گرفتند و از ادامه راه باز ماندند. علیرغم هجوم نیروهای امنیتی، مراسم با پخش شیرینی به پایان رسید اما نیروهای رژیم تا پاسی از شب در خیابان های شهر حضور داشتند.

### مهاباد:

روز جمعه 10 اردیبهشت ساعت 15 تا 17 بعدظهر مراسمی در اطراف شهرستان مهاباد به مناسبت اول ماه مه روز همبستگی جهانی کارگران توسط جمعی از فعالین کارگری برگزار گردید.

مراسم با سرود انترناسیونال شروع شد و سپس برای احترام به جانباختگان راه رهایی طبقه کارگر یک دقیقه سکوت اعلام شد. با یک قطعه شعر سکوت شکسته شد. به دنبال آن سرود نان توسط یکی از شرکت کنندگان مراسم خوانده شد. در ادامه تاریخچه و موقعیت جنبش کارگری توسط یکی از شرکت کنندگان بیان شد.

مراسم با پخش و خواندن شعر و سرود ادامه پیدا کرد. در ادامه مراسم با گذاشتن بحث آزاد، حاضرین به ارائه نظرات خود در مورد اول ماه و جنبش کارگری مراسم را غنی تر کردند. در پایان قطعنامه مشترک روز جهانی کارگر که توسط 10 تشکل کارگری به تصویب رسیده بود خوانده شد که با تشویق و کف زدن مورد تأیید حاضرین قرار گرفت.

ادامه در صفحه 5

# مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

## ناسیونالیسم و کمونیسم در کردستان

### سیف خدایاری

افراد زیادی روزانه در جدلها، مباحثات و نشست هایی قرار می گیرند که در فضای دوستانه تا اندکی تلخ و خصمانه در دو سوی قطب ناسیونالیسم و کمونیسم در کردستان قرار می گیرند. بیشتر این افراد کسانی هستند که در دورانی خود را متعلق به جنبش کمونیستی به طور اخص برای "حل مسأله ملی در کردستان" می دینند، اما از دو دهه قبل با تغییرات منطقه ای و تغییر الگوی کسب قدرت برای ناسیونالیسم کرد از سوی افق

بورژوازی، پوپولیستی، شبه سوسیالیستی و فالانژیستی برای دستیابی به اهداف سیاسی خود انتخاب کرده اند و از سویی دیگری خاطر سرمایه سیاسی که کمونیسم و "کومه" در کردستان ایجاد کرده است ناچار از مالیدن رنگ سرخ بر اندیشه های تاریک و مبهم خویش هستند. قطعاً مباحثاتی حول کمونیسم و سوسیالیسم مختص کردستان نبوده و نیست. تنها بهانه الحاق کردستان به این تبتز این است که بیشترین مخاطبان من در این نوشته افرادی هستند که مسائلی سیاسی در کردستان را پی گیری می کنند. ذکر این نکته از نظر من ضروری است که کلمه کردستان در ذهن من نمودی ابژکتیو و عینی آنگونه که ناسیونالیسم کرد ادعا می کند ندارد، به این دلیل ساده که هنوز جغرافیای کردستان حتی در ذهن ناسیونالیسم کرد دقیقاً ترسیم نشده است و بسته به غلظت دوز ناسیونالیستی افراد قلمرو متفاوتی را شامل می شود. در این نوشته کوتاه سعی من بر این است الگویی ساده در اختیار افراد درگیر این بحث ها قرار داده شود.

ساده ترین و سراسر ترین متد برای شناخت جامعه متد مارکسیستی است که جامعه را بر اساس روابط انسانها در تولید تعریف می کند. اگر نظام سرمایه داری را به عنوان نظام تولیدی کنونی جوامع ببینیم! در قدم بعدی به این می رسیم که در نظام سرمایه داری وسائل تولید در اختیار و کنترل اقلیتی سرمایه دار است و نیروی کار را اکثریت جامعه یعنی کارگران تشکیل می دهند، بدون آنکه کمترین اختیاری بر تولیدات خود

داشته باشند. کارگران، بردگان مدرن هستند که به "اختیار" خود و "آزادانه" نیروی کارشان را در ازای به دست آوردن مقداری انرژی برای کار در روز بعدی و تولید ننتل جدید بردگان می فروشند. این منطق نظام سرمایه داری و به گستردگی آن از بومی نشینان استرالیا تا خانه های یخی اسکیموها است.

بر اساس این شیوه تولید جوامع بشری به دو طبقه متخاصم (واژه تخصص نیاید الزاماً تیر و تانک را به ذهن متبادر کند) تقسیم می شوند که منفعت یکی اقتضا می کند برای بقای خود استثمار کند و منفعت دیگری بر عکس اولی ایجاب می کند که برای "بقای" خود با این نظام مبارزه کند. این نبرد درون جوامع همیشه در حال جریان است. امروزه نبرد طبقه کارگر برای "بقای" خود تراژیک ترین شکل به خود گرفته است. کافی است به رسانه های بورژوازی نگاه کنید تا هر روزه صحنه هایی از این نبرد نابرابر را در شکل سرکوب، اخراج، زندان و تحمیل فقر و فلاکت بر کارگران ببینید.

جامعه کردستان هم از این قاعده مستثنی نیست. در این جامعه هم روابط انسانها بر اساس روابط تولیدی شکل گرفته و وجود دو طبقه عینی سرمایه دار و کارگر نیازی به عینک روشنفکری و ابزارهای تحقیقاتی ندارد. در این جامعه هم انسانهایی مجبورند نیروی کارشان را در تراژیک ترین و نا امن ترین صحنه های یک نبرد نابرابر، در کوره پرخانه ها، بخش ساختمان سازی، سد سازی، کارخانجات و کارگاههای کوچک و بزرگ، مراکز تولید مواد غذایی مانند نانوايي ها، بخش حمل و نقل و توزیع کالا، مرزها، بخش خدمات، مزارع و.... در بدترین شکل و بی حقوقی مطلق بفروشند تا چرخهای تولید سود از کار نیفتد و از سوی دیگر طبقه سرمایه دار با در دست داشتن وسائل تولید و "سرمایه" گیرم در نقش انسان خوشنام و خیر! به استثمار و بهره کشی از طبقه کارگر ادامه می دهند. افرادی که این روابط تولید را انکار می کنند به نظر من به دو دلیل عمده این کار را می کنند. منفعت زمینی سرمایه داران ایجاب می کند که کارگران را به شکل یک طبقه نبینند بلکه آنها را به صورت اتم هایی

مجزا، "عمله" و "انسانهای زحمتکش" ببینند. دسته دوم افرادی درون طبقه کارگر هستند که به دلیل از خودبیگانگی مفروض حاصل از تداوم چندین نسل استثمار شناخت درست و دقیقی از خود ندارند. منفعت بورژوازی کرد نیز اقتضا می کند برای تأمین نیروی کار هر چه ارزان تر و در نتیجه سودآوری هر چه بیشتر طبقه کارگر را در قامت خود انکار کند و آنها را به عنوان "کارگران کرد" بشناسد. برای همین منظور از تمام امکانات خود بهره می گیرد تا آگاهی وارونه ای به آنها داده و علاوه بر بهره کشی مستقیم از طبقه کارگر، برای تأمین خواسته های سیاسی خود آنها را در جنبش ملی حل کند. البته رفاقت بورژوازی محترم کرد با "کارگران و زحمتکشان کرد" تا زمان دستیابی به دروازه های قدرت ادامه پیدا می کند و از آن زمان به بعد برای بورژوازی و طبقه کارگر در کردستان، کرونومترها دوباره صفر می شود تا هر یک در مقام خود و طبق قانون نظام سرمایه داری به راه خود ادامه می دهند.

ناسیونالیسم در دوره ای از تاریخ بشر و عمدتاً در عصر طلایی "استقلال" در نیمه دوم قرن بیستم مسلط ترین شکل مبارزه با دولتهای استعماری و ایجاد قلمروی برای افراد یک جامعه بود که عمدتاً دارای اشتراکات زبانی، قومی و نژادی بودند. در این عصر بسیاری از ملت های جدید شکل گرفتند و طبقه حاکمه جدید در قلمرو خود نه تنها به ادامه همان مناسبات ظالمانه نظام بهره کشی ادامه دادند بلکه بهانه جدیدی به دست آوردند تا هر اعتراض از پایین را به خاطر حفظ مصالح "ملت"، وجود دشمن خارجی و جوان بودن "دموکراسی" سرکوب کنند. کردها به دلیل پراکندگی جغرافیایی میان چند کشور و چندین عامل دیگر نتوانستند در دوران "استقلال" قلمروی را برای خود تعیین کنند و در عین حال مبارزه برای کسب قدرت را در اشکال مختلف و عمدتاً با تکیه بر یک ابرقدرت و بند و بست با دولت های منطقه ادامه دادند. پرچم این مبارزات هم به طور عمده در دست بورژوازی کرد، خوانین و رئیس عشیره ها، ملاها، روشنفکران و تحصیل کردگان بوده است. البته در دوره ای و از جمله در دهه های

هفتاد و هشتاد میلادی به دلیل هژمونی "اندیشه چپ" در نهضت های ملی، ناسیونالیسم کرد نیز مانند بسیاری از جنبش های ملی رنگ چپ به خود می گیرد. برای نمونه در ترکیه اوچالان خود را مارکسیست - لنینیست می خواند، در عراق جلال طالبانی خود را مارکسیست می خواند و در ایران طیف وسیعی از روشنفکران و جناح چپ ناسیونالیسم کرد در کومه و زیر چتر کمونیسم برای اهداف ملی خود مبارزه می کردند.

بعد از سقوط کمونیسم بورژوازی بلوک شرق و تغییر الگوهای کسب قدرت، ناسیونالیسم کرد برای اولین بار در کردستان عراق این "شانس" را پیدا کرد که به یمن نیروهای ناتو و از چشم افتادن صدام نزد دول غرب تمام ژست های چپ مابانه و ادبیات رقیق شده "سوسیالیستی" را کنار نهاده و در قامت خود، یعنی در قامت "کردیایه تی" به سوی درهای قدرت خیز بردارد. امروز چندین سال از آن زمان گذشته و تجربه گرانبهایی از یک "دولت کردی" در اختیار ما قرار گرفته است. سهم طبقه کارگر در جنگ قدرت ناسیونالیسم کرد چیزی جز تأمین نیروی نظامی برای باند های قدرت، کشته شدن در میادین جنگ، آوارگی و بی خانمانی چندین ساله، بیکاری و بی حقوقی، سرکوب، ترور و زندان نبوده است. کردستان عراق نیز مانند هر جای دیگر دنیا برای یک اقلیت قومی - عشیره ای دومی دوم است و انباشت سرمایه به شکل برج ها و فروشگاهها با هیچ جای دیگر خاورمیانه قابل مقایسه نیست. به همین ترتیب هم برای طبقه کارگر یعنی افرادی که چرخهای تولید سود و سرمایه را در این منطقه به حرکت در می آورند نیز همان نیمه تاریک دبی است!

ناگفته نماند سرمایه داری برای ادامه حیات خود رونمای فرهنگی جامعه را مطابق الگوها و نیازهای خود شکل می دهد و برای ساختن این پیکره فرهنگی به انبوهی از ژورنالیست ها، شاعران، هنرمندان و نویسندگان نیاز دارد.

ادامه در صفحه ۵

## کارگران جهان متحد شوید!

## نشریه اکتبر را بخوانید، آنها تکثیر و بدست خوانندگان برسانید، برای آن مطلب و گزارش تهیه کنید

اکتبر روز دوشنبه هر دو  
هفته یکبار منتشر میشود

تماس با دبیر کمیته کردستان  
رحمان حسین زاده  
تلفن: 0046739225969  
ایمیل  
husienzade\_r@yahoo.com

تماس با روابط عمومی کمیته  
کردستان  
سالار کرداری

تلفن: 0046700194503  
[Rawabet.omumi.k@gmail.com](mailto:Rawabet.omumi.k@gmail.com)

اعضا هیئت تحریریه اکتبر:

سیفه خدایاری، سلام زیجی، ملکه عزتی،  
رحمان حسین زاده، علی مطهری و سالار  
کرداری  
ایمیل ارسال مطلب به اکتبر:  
[S\\_zijji@yahoo.se](mailto:S_zijji@yahoo.se)

تشکل کارگری را قرانت و مورد تاکید قرار دهند. در مراسم دیگری در بازار اصلی شهر، تعدادی از کارگران و خانواده های کارگری تجمع کردند و توانستند قطعه نامه خود را قرانت کنند، در قطعه نامه که از طرف جمعی از فعالین کارگری شورایی - سندج منتشر شد، به روشنی جناحهای مختلف بورژوازی ایران از جمله جریان سبز حکومتی به عنوان جریان ضد کارگری معرفی شد و بر خواسته های واقعی کارگران تاکید شده بود.

در شهر سقز و با وجود اینکه محمود صالحی از رهبران کارگری سرشناس در همان روز اول مه احضار شده و به همراه محمد عبیدی پور دیگر فعال کارگری به مدت چند ساعت در بازداشت بودند، اما در سطح شهر راهپیمایی صورت گرفت، در حلقه حفاظت کارگران، یکی از حاضرین سخنرانی کرد. سپس فشار نیروهای سرکوبگر اسلامی مانع تداوم راهپیمایی کارگران شد.

اخبار و گزارشات تکمیلی این مراسمها از همان ساعتها اول و در سایتها مختلف کارگری و خبری منتشر شده است. همین سطح ابراز وجود و تحرک کارگری در اول مه شهرهای کردستان نشان داد، جمهوری اسلامی و سرکوبگران آن باز هم نتوانستند، روز کارگر و گرامیداشت آن را از کارگران بگیرند. حق طلبی کارگر و اعتراض کارگران به نظم موجود سرمایه و دولت ضد کارگری و اسلامی آن در ایران و سنت گرامیداشت اول مه ریشه دارتر و عمیقتر است. به علاوه تحركات کنونی نشان داد به هر درجه اتحاد و همبستگی کارگری در میان کارگران وجود داشته باشد، به همان درجه میتوان متشکل و سازمان یافته، عمل نمود و به میدان آمد. به معنای دیگر برای ابراز وجود وسیعتر و گسترده تر به اتحاد و همبستگی بیشتر هنوز نیاز هست. و جنبه مهمتر اول مه امسال اتحاد بخش زیادی از مراسمهای کارگری امسال حول یک قطعه نامه مشترک در سراسر ایران است. قطعه نامه ای که عاجزترین مطالبات کارگری را منعکس کرده است. اکنون ادامه اتحاد و همبستگی مبارزاتی کارگران برای تحقق مفاد اصلی آن اهمیت دارد.

کمیته کردستان حزب حکمتیست ضمن تبریک دوباره اول ماه مه به تمام کارگران و خانواده های کارگری در شهرهای کردستان، به همه فعالین و پیشروان کارگری و همه شرکت کنندگان در مراسمهای برگزار شده درود میفرستد و خسته نباشید میگوید. مناسبت اول مه امسال و اتحاد و همبستگی و هم گامیهای مبارزاتی ایجاد شده از پیشرویهای مهم این دوره است. این دستاورد را باید مبنای پیشرویهای بیشتر آتی قرار داد.

زنده باد اول مه  
زنده باد اتحاد و همبستگی کارگری  
آزادی، برابری، حکومت کارگری  
کمیته کردستان حزب حکمتیست  
اردیبهشت 1389 - مه 2010

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست  
[hekmatist.com](http://hekmatist.com)

اعلامیه کمیته کردستان حزب  
حکمتیست

گرامیداشت اول ماه مه در شهرهای  
کردستان

سرکوبگری جمهوری اسلامی نتوانست \*  
مانع ابراز وجود کارگران در اول مه شود

مناسبت اول مه امسال نیز در شهرهای کردستان به صحنه رویارویی کارگران و دولت سرمایه اسلامی و نهادهای سرکوبگرش تبدیل شد. از یک ماه قبل از روز اول مه طبق سنت جاافتاده و تجارب تاکنونی، جنب و جوش وسیعی میان فعالین کارگری و بخشهای مختلف کارگران برای گرامیداشت روز جهانی کارگر شروع شد. ضرورت اتحاد و همبستگی کارگری، گرایشهای مختلف درون کارگران را حول اول مه به هم نزدیک کرده بود. ابتکارات و تدارکات مختلف در دستور کار قرار گرفت. جمهوری اسلامی و نهادهای ضدکارگری مثل همیشه با حساسیت فعالیت کارگران را زیر نظر گرفتند. در هیچ شهری با تقاضای مجوز رسمی برای اجرای مراسم توسط کارگران موافقت نکردند. به علاوه روز قبل از اول مه پنج تن از فعالین کارگری سندج و عضو اتحادیه آزاد کارگران را احضار کردند. دوباره و بیهوده از این طریق خواستند مانع برگزاری اول مه در شهر سندج و سایر شهرهای کردستان شوند. اینها بی خبرند که سنت برگزار اول مه در شهر سندج چنین ظرفیتهایی را خنثی میکند. تهدیدات فعالین کارگری به شیوه های دیگر دوباره ادامه پیدا کرد. در روز اول مه مجدداً در سندج و سقز فعالین کارگری را احضار کردند. تلاشهای سرکوبگرانه رژیم اگر چه دامنه وسیعتر برگزاری مراسم روز کارگر را محدودتر کرد، اما نهایتاً ناکام ماند و کارگران مبارز در شهرهای مختلف کردستان روز جهانی کارگر را گرمی داشتند. روز جمعه دهم اردیبهشت، یک روز قبل از اول مه، بخشی از کارگران و خانواده های کارگری و مدافعین کارگران در شهرهای مهاباد، بانه، سقز در بیرون شهر اول مه را گرمی داشتند. علاوه بر سخنرانی و یادآوری تاریخچه اول مه، در هر سه مراسم قطعه نامه سراسری کارگران که توسط ده تشکل کارگری منتشر شده بود، مورد تایید و تاکید قرار گرفت. در روز اول مه در شهر سندج کارگران و خانواده های کارگری با برگزاری مراسمهای مختلف، سنت گرامیداشت اول مه را ادامه دادند. در راهپیمایی و مراسمی که از سه راه نمکی شروع شد، سرکوبگران جمهوری اسلامی بسیار زود به کارگران و تجمع کارگری تعرض کردند. کارگران قصد داشتند، در پایان این راهپیمایی قطعه نامه سراسری ده

به گارد آزادی به پیوندید! زنده باد گارد آزادی!